

# السلام على الرضا عليه السلام



شیطان ناجوانمرد است و به خود حازه می دهد که هر وسیله ای را به کار گیرد، اما ما همه چیز را از جانب خدا می داریم و صبر می کنیم. این بمب های شیطان است که بر سر ما فرور یخته است، اما عمل چگونه می تواند از مشیت ازلی خدا خارج باشد؟ جهان معرکه امتحان است برادر! بهترین ما کسی است که از بهترین آنچه دارد در راه خدا بگذرد.

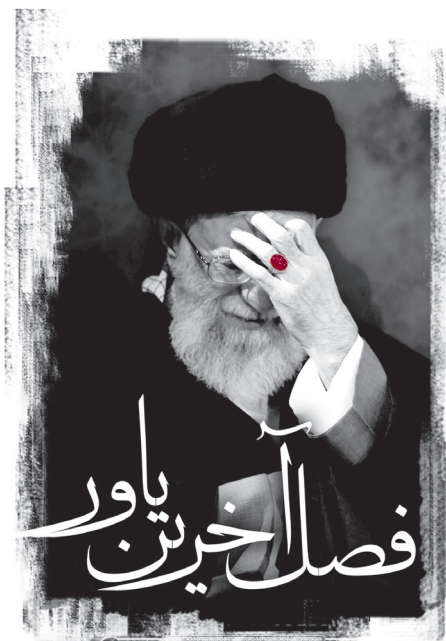
شهید سید مرتضی آوینی

دهه اول محرم سال ۱۴۳۵ / ۱۳۹۲  
شماره پنجم



مباهله امام حسین (علیه السلام)  
معرفی جلسات سیر و سلوک عملی  
راهبر داصلی مقابله با شیطان  
شهید بهنام محمدی راد





### مباهله امام حسین (علیه السلام)

معنای تضعیف مجلس عزای اباعبدالله یک جمله راجع به محترم و عاشورا عرض کنیم. عاشورا را شیعه، با همه‌ی وجود نگه داشتند. شما ببینید در طول سالهای متمادی، قرنهای متمادی، یاد امام حسین، نام امام حسین، تربت امام حسین، عزای امام حسین هرگز از بین مردم پیرو اهل بیت و مؤمن به اهل بیت خارج نشد؛ این را رها نکردند؛ هرچند خیلی تلاش شد. حالا شما قضیه‌ی متوکل و بستن راه را شنیده‌اید. مخالفت‌های بسیار زیادی در طول زمان به شکل‌های ظاهراً علمی، به شکل احساساتی، به شکل تجربه‌ای انجام دادند، ولی شیعه نگه داشته است و باید نگه دارد.

میگویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج میدهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم و اشک نیست، برای ارزشهاست. آنچه پشت سر این عزاداریها، بر سر و سینه زدن‌ها، اشک ریختن‌ها وجود دارد، عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه‌ی بشریت ممکن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزشهای معنوی الهی است. اینها را میخواهند نگه دارند که حسین بن علی مظهر این ارزشها بود. یاد آنهاست؛ زنده نگه داشتن آنهاست.

و ملت اسلام اگر نام حسین را و یاد حسین را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد برای خود، از همه‌ی موانع و مشکلات عبور خواهد کرد. لذاست که ما در انقلاب اسلامی، در نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، همه - مردم، مسئولین، بزرگان، شخص امام بزرگوار ما - بر روی مسئله‌ی امام حسین و مسئله‌ی عاشورا و همین عزاداریهای مردمی، تکیه کردند و جا دارد. این عزاداریها جنبه‌ی نمادین دارد، جنبه‌ی حقیقی هم دارد؛ دلها را نزدیک میکند، معارف را روشن میکند.

البته گویندگان، وعاظ، مداحان، سرایندگان، همه باید توجه داشته باشند که این یک حقیقت عزیز است؛ با آن نایست بازی کرد؛ حقایق ماجرای عاشورا را بازیچه نباید قرار داد. هر کسی یک چیزی به آن اضافه نکند، خرافه‌ای را به آن وصل نکند، کارهای غیر معقول را به نام عزاداری انجام بدهد، اینها نباید باشد؛ اینها طرفداری از امام حسین نیست. یک وقتی ما راجع به مسئله‌ی تظاهرات قمه، مطلبی را گفتیم، یک عده‌ای گوشه کنار صدایشان بلند شد که آقا!

میگویند چرا ماتم و گریه و اشک را در بین مردم رواج میدهید؟ این ماتم و اشک برای ماتم و اشک نیست، برای ارزشهاست.



این عزاداری امام حسین است؛ مخالفت نشود با عزاداری امام حسین! این، مخالفت با عزاداری نیست؛ مخالفت با ضایع کردن عزاداری است. **عزاداری امام حسین را نباید ضایع کرد.** منبر حسینی، مجلس حسینی، محل بیان حقایق دینی، یعنی حقایق حسینی است. شعر در این جهت، حرکت در این جهت، نوحه و مدیحه در این جهت باید باشد. شما دیدید در آن محرم سال ۵۷، دستجات سینه‌زنی ما در بعضی از شهرستانها مثل یزد و شیراز و جاهای دیگر شروع شد و بعد هم گسترش پیدا کرد به همه‌ی کشور؛ سینه میزدند و حقایق روز را در نوحه‌های خودشان بیان میکردند؛ با ارتباط دادن و اتصال دادن اینها به ماجرای عاشورا، که درست هم هست.

مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینیه‌ی ارشاد فریاد میکشید که: **والله - قریب به این مضمون - بدانید شمر، امروز - اسم نخست وزیر آن روز اسرائیل (صهیونیست) را می‌آورد - اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت میکنیم، برای اینکه ریشه‌ی شمر شدن و شماری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبدالله را لعنت میکنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی قیامش برای این بود که بینی حاکمتهای علیه ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند؛**

و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد.

**مجالس ما؛ مجالس حسینی، یعنی مجالس ضد ظلم، مجالس ضد سلطه، مجالس ضد شمرها و یزیدها و ابن‌زیادهای زمان موجود، زمان حاضر، معنایش این است.** این استمرار ماجرای امام حسین است.

و امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه میکنند؛ در فلسطین چه میکنند، در عراق چه میکنند، در کشورهای گوناگون چه میکنند، با ملت‌های دنیا چه میکنند، با فقرا چه میکنند، با ثروتهای ملی کشورها چه میکنند. ابعاد عظیم حرکت حسین بن علی (علیه‌السلام) شامل همه‌ی این میدان وسیع میشود. امام حسین نه فقط برای شیعه، نه فقط برای مسلمانها، بلکه برای احرار عالم درس دارد.

رهبر آزادی‌بخش نهضت هند در شصت سال، هفتاد سال قبل اسم حسین بن علی را آورد؛ گفت من از او یاد گرفتم؛ در حالی که هندو بود؛ اصلاً مسلمان نبود. در بین مسلمین هم همینطور است. ماجرای امام حسین این است. شما گنجینه‌دار یک چنین جواهر ذی قیمتی هستید که همه‌ی بشریت میتواند از او بهره برد و استفاده کند.

جهتگیری در عزاداری امام حسین به این نحو باید باشد: **گسترش تبیین، بیان، آگاه‌سازی، محکم کردن ایمان مردم، روح تدین را در مردم گسترش دادن، روح شجاعت و غیرت دینی را در مردم زیاد کردن، حالت بی‌تفاوتی و سکر و بی‌حالی را از مردم گرفتن؛ اینهاست معنای قیام حسینی و بزرگداشت عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) در زمان ما. لذا زنده است، همیشه هم زنده خواهد بود.**

۱۳۸۶/۱۰/۱۹

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی‌ماه



# شیطان دشمن پنهان ۳

## کیفیت تأثیر شیطان در نفس انسان

سخنان حجة الاسلام نخاوسی در شب سوم محرم ۱۴۳۵

همه می دانیم که فضای اطراف ما مملو از امواج رادیویی است. حال اگر در این فضا آتش روشن کنیم، چه تاثیری بر این امواج میگذارد؟ هیچ. چونکه این دو از یک سنخ نیستند. گفتیم که لازمه تأثیر گذاری سنخیت است.

وجود آدم مثل وجود عالم از سه مرتبه اصلی تشکیل شده است. مرتبه عقل که هم سنخ عالم ملکوت و آخرت است، مرتبه خیال که هم سنخ برزخ است و مرتبه قوای ظاهری که هم سنخ عالم طبیعت و دنیاست.

### چگونگی تشدید ادراکات

تا به حال شده که در دل شب درد بکشید؟ درد ها در شب دردناک تر به نظر می رسند. چرا که در روز اشتغالات ما باعث می شود از آن ها غافل شویم. همین توجه متمرکز، سبب تشدید ادراکات ماست. وقتی که ذهنتان، وقت غذا خوردن، به شدت مشغول مسئله ایست، از غذای مورد علاقه تان کمتر لذت می برید با اینکه غذا همان غذاست.

بر اساس همین اصل، اگر فردی روی یکی از ابعاد وجودی اش توجه مفرط بکند، به شکل عالم هم سنخ آن در می آید. توجه بیش از حد روی شهوت ما را بهیمی می کند، روی غضب ما را درنده خو و توجه متمرکز به عقل ما را ملکوتی و کشش زیاد به شیطنت ها انسان را به شیطان تبدیل می کند. انبیاء آمدند که عقل مدفون زیر خاکستر را بیرون بیاورند. الهامات ملکی نیز باعث تقویت عقل نظری که مربوط به دریافت واقعیت ها و عقل عملی که مرکز تشویق به خیر است می شود.

### قاعده نفع و ضرر

عقل عملی همواره بر اساس قاعده نفع و ضرر تشویق به خیر می کند. اصولا همه بر این اساس حکم به انجام یا دوری از عملی را می دهند. حتی کسیکه خودکشی می کند با خود فکر می کند مردن، نفعش از زندگی بیشتر است. اگر عقل مخلوط به خیالات و اوهام باشد، در این محاسبه، همه جوانب و عاقبت امور را درست نمی سنجد و به خطا می رود، هر چند گمان می کرده دارد به نفع خود عمل می کند. قوه واهمه قسمتی از منافع را می بیند و قسمتی را نمی بیند.

### چهار کار عمده عقل

قبل از بر شمردن آنها باید متذکر شد هر عمل عقل در دو حوزه ادراکی و تحریکی پیاده می شود.

۱- تشخیص واقعیت از امور موهوم (ادراکی) و تشخیص خوب از بد (تحریکی)

۲- ترجیح واقعیت از غیر واقعیت (ادراکی) و خوب از بد (تحریکی)

۳- کنترل ادراکات رقیب عقل (وهم و خیال) و ممانعت از محرکات رقیب آن (شهوت و غضب)

توضیح اینکه: بنا بر حکم عقل، همه میدانیم که جسد مرده آسیبی به انسان نمی زند، چه شب باشد و چه روز، چه یک مردار باشد چه پنجاه عدد. پس چرا اگر در مرده شوی خانه کنار اجساد باشیم و چراغ ناگهان خاموش شود، واهمه ما را فرا می گیرد؟ اینجا محل ورود قوه وهم است که او هم در برابر عقل حکم می دهد و چه بسا بر آن می چربد.

یا مثلا در حالت آرامش، عقل ما حکم می کند دعوا هر چه زود تر تر فیصله پیدا کند بهتر است. اما اگر خود ما طرف دعوا باشیم چه بسا بنا بر حکم وهم و خیال آن را طولانی کنیم.

کار شیطان دقیقا همین جاست؛ یعنی روی وهم و خیال و شهوت و غضب سرمایه گذاری می کند. اگر این چهار تا بوسیله عقل کنترل بشود تا اندازه زیادی می توان جلوی شیطان را گرفت. نه اینکه اینها بدند. مثلا اگر قوه خیال نبود نه هنری بود و نه اختراعی. مسئله عمده، کنترل آنها و تحت حکومت عقل درآمد آنهاست. در فرهنگ قرآنی به هر یک از این موارد چهار گانه که از تحت فرماندهی عقل، بیرون آمده اند، "هوی" می گویند.

مهمترین کار عقل همین کنترل هوی هاست و گرنه همه اجمالا می دانیم خوب و بد چیست: فالهمها فجورها و تقواها.

۴- بسیج قوا در تصدیق یا عمل به خیر

### محل نفوذ شیطان و ابزار های او

با این توضیح شاید روشن شد که چرا فرموده اند در ماه مبارک رمضان



دست و پای شیطان به بند کشیده شده است. روزه، خود موجب کسر شهوت می شود. پیداست که با تضعیف قوای جسمانی، شهوت جسمانی به کاستی می گراید. مثال عینی این مسئله را در پیرمرد ها می توان مشاهده کرد. کسر شهوت به معنایی، گرفتن ابزار از دست شیطان است.

در نظری کلی می توان گفت نفوذ شیطان از مجرای قوای ادراکی هم سنخ خود یعنی خیال و وهم صورت می پذیرد اما ابزار او در این مسیر، قوای تحریکی هم سنخ اوست یعنی شهوت و غضب. مثلاً یک رفیق ناباب محل نفوذش در افکار و اوهام ماست اما ابزارش دست گذاشتن روی دلخواه های ماست. شیطان جنّ هم دقیقاً به همین نحو عمل می کند. همین است که او با هر کسی در هر مقطعی و در هر سنی از یک راه وارد می شود چراکه دلخواه ها و رنج و الم ها متفاوت است. به عمل آراستن لذت ها در مقابل دیده آدمی در فرهنگ قرآنی ترین می گویند که حداقل ۱۵ بار در آیات شریفه آن آمده است.

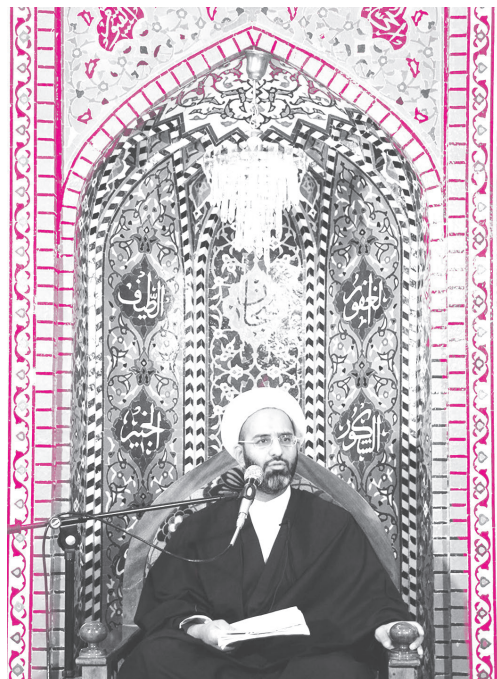
ازینرو در تعالیم اسلامی به ما مرتباً توصیه شده که مراقب دوستان و محیط معاشرت خود باشیم.

این سینا نیز در رساله العهد خود می آورد که عهد می کند از کارهایی که خیال را تقویت و متعاقباً عقل را تضعیف می کند همچون خواندن داستان بپرهیزد. اصولاً داستان و مخصوصاً فیلم که باقی حواس را نیز به صورت متمرکز درگیر می کند، سر و کارشان با قوه وهم و خیال است.

### سه کار عمده شیطان

۱- تنزل دادن ما از مرتبه عالی که همان عقل باشد و توجه دادن به مرتبه برزخی یا همان وهم و خیال.

۲- تشویق ما به انباشتن خزانه خیال از تمایلات و دلخواه های گوناگون: گاهی اوقات در پوشش کنجکاو و علم آموزی، ما به هرزه گردی در مطالب نامربوط به حوزه کاری مان می پردازیم و در این میان نه تنها مطالب مفیدی نمی یابیم بلکه چه بسا ذهن خود را از



موارد نا مطلوب پر می کنیم. اینها همان خوراک شیطان برای جولان در نفس ماست. به همین دلیل نوع گناهان در خلوت ها انجام می پذیرد چراکه عامل بازدارنده قوی ( تقوی ) که در درون نباشد و از طرفی مانع اخلاق در کسب مطالب، در بیرون نیز وجود نداشته باشد، بستر گناه فراهم می شود.

۳- کار سوم شیطان ترین این مواد و فراخواندن ما به سوی آنهاست. دقیقاً همانطور که برخی شیاطین انس ما را در امور شرّ، شیر می کنند شیطان نیز با جلوه دادن کار خطا ما را در انجام آن تشویق می کند.

### راهبرد کلی در مقابله با شیطان

با توضیحاتی که در بالا گفتگو شد می توان نتیجه گرفت که در مقابله با شیطان باید در دو حوزه عمده فعالیت کرد.

یک: فراهم نکردن بستر های نفوذ او در ادراکات قوه خیال و وهم، با کنترل این دو بوسیله عقل نظری.

دو: گرفتن ابزار های تحریک به سوی شرّ از شیطان با کنترل شهوت و غضب بوسیله عقل عملی.

پس از طرح کلیات، به اذن الهی راهکارهای عملی تحقق این راهبردها را در جلسات آینده به گفتگو می نشینیم.

الحمد لله رب العالمین





عارف کامل، روح مجرد، حاج سید هاشم حداد (۱۴۰۴ - ۱۳۱۸ ق) آهنگری بود در شهر کربلا که در ذیل تربیت کوه توحید آیت الله حاج سید علی قاضی همه ی مراتب توحید را طی کرد و وصی باطنی ایشان شد.

علامه آیت الله حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی، شاگرد و وصی مرحوم حداد، در وصف ایشان بیان می کند: «حاج سید هاشم حداد تربیت شده دست مبارک مرحوم حاج سید میرزا علی آقای قاضی بود. او می دانست دست پرورده اش چیست، و درجات و مقاماتش کدام است، ایقان و عرفان او در چه حد اعلایی از ارتقاء و سُمُو راه یافته است. من چه می فهمم؟ خبره و خِریت این فن، آن بزرگ مرد الهی است.

من از حداد فقط عبادتی، توجهی، مراقبه ای، التزامی به دستورات شرع، متانت، وقار، تمکین و صبر و تحمل و امثال ذلک را درمی یابم، ولی از منشأ و مصدر این خصائص و آثار خبری ندارم. من نوری را مشاهده می کنم...».

### \* تشریح وقایع عاشورا که عشق محض بوده است

مرحوم علامه طهرانی در کتاب «روح مجرد» حالات استاد سلوکی خویش، حاج سید هاشم حداد را چنین بیان می کند: در دهه عاشورا آقای حداد بسیار گریه می کرد، ولی همه اش گریه شوق بود. و بعضی اوقات از شدت وجد و سرور، چنان اشک هایش متوالی و متواتر می آمد که گویی ناودانی است که آب رحمت باران عشق را بر روی محاسن شریفش می ریزد.

این استاد وارسته می فرمود: مردم خبر ندارند، چنان محبت دنیا چشم و گوششان را بسته که بر آن روز تأسف می خورم که همچون زن فرزند مرده می نالند. مردم نمی دانند که همه آنها فوز و نجاج و معامله پر بها و ابتیاع اشیای نفیسه و جواهر قیمتی در برابر خُزَف بوده است. آن کشتن مرگ نبود؛ عین حیات بود. انقطاع و بریدگی عمر نبود؛ حیات سرمدی بود.

آری، مرگ برای سیدالشهدا، سید مظلومان عالم (ع) عین درجه، ارتقا و فوز و نجاج است. از این رو در روایت وارده در مبحث «معاد شناسی» آمده است که در روز عاشورا هر چه آتش جنگ افروخته تر می شد و مصائب آن حضرت افزون تر، چهره منورش بر افروخته تر و شاداب تر می شد.

علامه طهرانی خاطر نشان می کند: باید دانست که آنچه را که مرحوم حداد فرموده، حالات شخصی خویش در آن اوان بوده است که از عوالم کثرات عبور نموده و به فنای مطلق فی الله رسیده بود و به عبارت دیگر: سفرِ اِلی الله به پایان رسیده، اشتغال به سفر دوم که فی

در روز عاشورا هر چه آتش جنگ افروخته تر می شد و مصائب آن حضرت افزون تر، چهره منورش بر افروخته تر و شاداب تر می شد.



الله بود، داشته است.

اما سایر مردم که در عالم کثرات گرفتارند و از نفس برون نیامده‌اند، حتماً باید گریه و عزاداری و سینه زنی و نوحه خوانی کنند تا بدین طریق بتوانند راه را طی کنند و بدان مقصد عالی نائل آیند. این مجاز قنطره‌ای است برای آن حقیقت. همچنان که ما در روایات بسیاری به عزاداری امر شده‌ایم تا به این وسیله، جان خود را پاک کنیم و با آن سروران در طی این سبیل هم آهنگ شویم. چنانکه عین خود این حالات در حضرت آقای حداد در اواخر عمر مشاهده می‌شد که توأم با همان عشق شدید، در مجالس سوگواری، گریه و عزاداری ناشی از سوز دل و حرقت قلب وی مشهود بود. خود حضرت سید الشهداء علیه السلام هم به حضرت سکینه دختر عزیزشان فرمودند:

لَا تُحْرِقِي قَلْبِي بِدَمْعِكَ حَسْرَةً  
مَادَامَ مَنِي الرُّوحِ فِي جُثْمَانِي  
«قلب مرا با سرشکت آتش مزین، این سرشکی که از روی حسرت می‌ریزد؛ تا وقتی که جان در بدن دارم!»

### \* تاثیر پذیری اطفال از محافل نورانی

علامه طهرانی همچنین می‌نویسد: استاد سید هاشم حداد می‌گفت: برای احترام کودکان نوزاد، خوب است قنذاقه نوزادان را تا چند ماهگی در مجالس علم و محافل ذکر و حسینیه و محال عزاداری که نام حضرت سید الشهداء (ع) برده می‌شود ببرند؛ چرا که نفس طفل همچون مغناطیس است و علوم و اوراد و اذکار و قدوسیت روح امام حسین (ع) را جذب می‌کند. طفل گرچه زبان ندارد ولی ادراک می‌کند، و روحش در دوران کودکی اگر در محل یا در حال معصیت برده شود، آن جرم و گناه او را نیز آلوده خواهد کرد؛ و اگر در محل و با حال ذکر و عبادت و علم برده شود، آن پاکی و صفا را به خود می‌گیرد.

همچنین توصیه می‌کرد: شما اطفال خود را در کنار اطلاق روضه خوانی یا اطلاق ذکر که دارید قرار دهید! علماء سابق این طور عمل می‌کردند زیرا آثاری را که طفل در این زمان، کسب می‌کند تا آخر عمر در او ثابت می‌ماند و جزو غرائز و صفات فطری وی می‌شود. چرا که نفس بچه در این زمان، قابلیت محضه است؛ گرچه این معنی مهم و این سر خطیر را عامه مردم ادراک نکنند.

منبع: کتاب شریف روح مجرد (شرح احوالات حاج سید هاشم حداد)

نفس طفل

همچون

مغناطیس

است و علوم و

اوراد و اذکار و

قدوسیت روح

امام حسین (ع) را

جذب می‌کند.



# بلندک

من از این بالا همه جا را می بینم. من از این جا، همه آدم ها و اسب ها را می بینم. چقدر آدم! ... چقدر اسب! ... من از این بالا حتی رودخانه ای می بینم. چقدر آب! کاش کسی جرعه ای آب به من بدهد... تاکنون پدر مرا روی دست هایش بلند نکرده بود؛ نمی دانم اکنون چرا این کار را کرده... من از این بالا کسی را می بینم که تیری سه شعبه به کمان گذاشته و به سوی ما نشانه رفته است. من...

محمد مبینی - تهران

تیرنگذاشت که یک جمله به آخر برسد  
هیچ کس حدس نمی زد که چنین سر برسد  
پدرش چیز زیادی که نمی خواست، فرات  
یک دو قطره ضرری داشت به اصغر برسد؟  
بادوانگشت هم این حنجره میشد پاره  
چه نیازی به سه شعبه است که تا پر برسد  
خوب شد عرش همه نورگلو را برداشت  
حیف خون نیست بر این خاک ستمگر برسد؟  
خون حیدر به رگش، در تب و تاب است ولی  
بگذارید به سن علی اکبر برسد  
دفن شد تا بدنش نعل نبیند اما  
دست یک نیزه بر آن حلق مطهر برسد  
شعله ور میشود این داغ دوباره وقتی  
شیر در سینه بی کودک مادر برسد  
زیر خورشید نشسته، به خودش میگوید  
تیرنگذاشت که آن جمله به آخر برسد  
علی رضالک



www.GofteMan-bartar.ir



www.Rahehagh.com

برای عضویت در سامانه ی پیامکی گفتمان برتر و اطلاع از برنامه های حجت الاسلام نخاولی، لطفا عدد ۴ را به ۰۱۶۶۰۴۰۰۲۳۴۰۵۰۰ ارسال نمایید.

